

**تحلیل نظام کنش رشته‌های روانشناسی و مشاوره  
در فرآیند انسجام بخشی جامعه**

دکتر سید وحید عقیلی<sup>۱</sup>، امیر لطفی حقیقت<sup>۲</sup>

**چکیده**

در طول دهه‌های اخیر و با ایجاد تغییرات ساختاری و فرهنگی در اثر استیلای مدرنیته و پیامدهای آن، دستاوردهای علمی، نقش بسیاری در اداره امور جامعه ایران ایفا می‌کند. امروزه رشته‌های تخصصی از جمله رشته روانشناسی و مشاوره، دارای نقش و جایگاه قابل ملاحظه‌ای می‌باشند. در این پژوهش تلاش شده است تا نقش و تاثیرات رشته روانشناسی و مشاوره بر ایجاد انسجام اجتماعی در جامعه ایران مورد مطالعه قرار گیرد. از این رو با استفاده از روش تحلیل نظری، ابعاد و نقش‌های رشته روانشناسی و مشاوره برای ایجاد انسجام در دو سطح خرد و کلان مورد تتبع و واکاوی قرار می‌گیرد. بررسی‌های انجام شده بیانگر این مهم است که رشته‌های روانشناسی و مشاوره در سطح کلان در ایجاد و بسط‌سازی برخی از مقتضیات مربوط به خرده‌نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مشارکت دارند و نقش آفرینی می‌نمایند. این رشته‌ها، در سطح خرد نیز در تنظیم برخی دیگر از نیازهای جامعه مانند نیازهای روانی، روحی، آرامش بخشی، عاطفی، شخصیتی و ... تاثیرات ژرفی می‌گذارند.

**واژگان کلیدی:** جامعه، انسجام، همبستگی.

---

<sup>۱</sup> دکتری علوم ارتباطات اجتماعی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد روانشناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه

#### مقدمه

بهداشت و سلامت روانی، یکی از عوامل تاثیرگذار در رشد اجتماعی و توسعه ملی به شمار می‌رود و از جایگاه حائز اهمیتی برخوردار است. سازمان بهداشت جهانی، سلامت را اینگونه تعریف کرده است: در کمال مناسب بودن از نظر جسمی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً نداشتن بیماری. بخش اول این تعریف گویای وجه ایجابی سلامت و قسمت دوم آن نشان دهنده وجه سلبی سلامت است. تاکنون اغلب محققان و صاحب‌نظران سلامت، به وجه سلبی سلامت بیشتر توجه داشته‌اند تا وجه ایجابی آن (پارک، ۱۹۹۸ به نقل از صدوقی، ۱۳۸۶). در همین حال رشته‌های روانشناسی و مشاوره نیز متولی اصلی تامین سلامت و بهداشت روان افراد و ایجاد انسجام اجتماعی می‌باشند.

با وجود نوپایی نسبی این رشته‌ها و حرفه‌های تخصصی در کشور در مقایسه با بسیاری دیگر از رشته‌ها و گستردگی حوزه مطالعه آن و مطالعه ابعاد اجتماعی آن همواره مقوله‌ای مغفول در میان صاحب‌نظران بوده است. بدین ترتیب با وجود تحولات وسیعی که طی سالهای اخیر در این رشته‌ها در کشور صورت گرفته، همواره به صورت حوزه‌ای کمتر شناخته شده باقی مانده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد هر میزان تحقیقات و پژوهش‌های نظری و کاربردی در باب ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناختی مسائل مربوط به کارکردهای رشته‌های روانشناسی و مشاوره می‌تواند گامی در تبیین دقیق این نقش در سطح جامعه و بسط آن باشد.

در همین حال با توجه به اینکه روانشناسان در تحقق اهداف کلان جامعه از نقش ویژه‌ای برخوردار هستند، نقش رشته‌های روانشناسی و مشاوره در انسجام بخشی به جامعه بیش از پیش روشن می‌شود. منظور از «رشته» شغلی که دانش محور، خدمت محور، نیازمند زمان، دارای نظام ارزشی و قواعد اخلاقی خاص، استقلال و هویت حرفه‌ای است (جواهری، ۱۳۸۴ و اوت، ۲۰۰۳ و بورگاتا، ۲۰۰۰).

شکل‌گیری و توجه به علوم تجربی، تجربه‌گرایی، تقسیم کار اجتماعی، رشد خردگرایی باعث شد تا حرفه‌های جدیدی مانند قضاوت، خلبانی، وکالت، پزشکی و طبابت در کشور موجودیت یافتند. جامعه ایران از این پس با رشته‌هایی مواجه شد که در ایجاد انسجام اجتماعی و هدایت جامعه نقش به‌سزایی ایفا کردند. با این تفاسیر روشن است، مطالعه آثار و پیامدهای کارکردی این

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه.....۹

رشته ها از منظر جامعه شناختی می تواند نتایج فراوانی در پی داشته باشد و به این جهت این مقاله تلاش دارد تا تاثیرات نظام روانشناسی و مشاوره را بر انسجام اجتماعی مورد تامل قرار دهد.

### چارچوب مفهومی

مقوله انسجام اجتماعی از جمله محوری ترین مباحث در حوزه جامعه شناختی است اما در باب مفهوم آن اجماع نظری میان صاحب نظران وجود ندارد. بطوری که هر یک از صاحب نظران این مفهوم و زمینه های تحقق آن را صرفا در قالب رویکرد نظری خاصی مطرح می کنند. عمده تعاریف در باب انسجام اجتماعی با مفاهیمی چون نظارت اجتماعی و پیوستگی اجتماعی مترادف شده اند (مارشال، ۱۹۹۸ و جواهری، ۱۳۸۴).

در همین حال چلبی (۱۳۸۳)، انسجام اجتماعی را حاصل نفوذ متقابل مجموعه های مشترک آرمانی - هنجاری و شبکه های فرصتی - تعاملی کنشگران فردی و جمعی می داند. به باور چلبی مجموعه های آرمانی، استانداردهای ارزشی مشترک فرهنگی را در بر می گیرند، شبکه های تعاملی پیوند و تعهد در نظام اجتماعی را شامل می شود، شبکه فرصت ها، مربوط به بسیج و تقسیم منابع در نظام اقتصادی می باشد و همچنین مجموعه های هنجاری به تنظیم روشهای دستیابی به اهداف و نظارت بر آنها می پردازد.

در این رویکرد دو سطح کنشگر فردی و جمعی از یکدیگر تفکیک شده اند. جهت گیری های کنشگر، تعیین کننده وضعیت کنش است و دربرگیرنده مجموعه ای از نگرشها، ارزیابیها و مطالبات کنشگر است. نظام شخصیت در نتیجه ترکیبی از نیازهای ارگانیک با انتظارات اجتماعی و معانی فرهنگی است که بصورت تدریجی و مداوم شکل می گیرد. کنشگر جمعی عبارت است از جامعه یا نظام جامعه ای که دربردارنده خرده نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشد و کنشگر فردی نیز نوع شخص منفرد را در بر می گیرد و نه شخص خاص را (چلبی، ۱۳۸۳ و جواهری، ۱۳۸۴).

در بعد نظام فرهنگی حفظ انگاره های نهفته، تولید، اشاعه و حفظ رموز معرفتی به عنوان یکی از ضروریات مورد توجه قرار دارد. در نظام اجتماعی، انسجام، هماهنگی و همکاری بین اجزا حائز اهمیت است. مقتضیات ساختاری نظام در بعد اقتصادی مواجهه با محیط بیرونی و بقا در آن است. در نهایت، مقتضیات ساختاری نظام در بعد سیاسی، تعیین و تعریف اهداف و راه های رسیدن به

آن می‌باشد. در عین حال اندیشه، تعهد، پول و زور، پاسداران نظم در هر یک از این خرده نظام‌ها هستند (چلبی، ۱۳۸۳ و ۱۳۷۵ و جواهری، ۱۳۸۴).

جفری آلکزاندرا<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) رویکردهای مربوط به انسجام اجتماعی را بصورت ذیل تقسیم‌بندی نمود: رویکرد اول، انسجام خردگرا که مبتنی بر رویکرد کل‌گرا است. این رویکرد بیشتر به عناصر بیرونی کنش یعنی مجموعه‌ای از منافع و گرایش‌ها توجه دارد. هابز، رکس و بنتام صاحب‌نظران اصلی این رویکرد می‌باشند. رویکرد دوم، انسجام ابزاری که مبتنی بر رویکرد فردگرا است. در این رویکرد بیشتر به نقش منافع فردی توجه می‌شود. افرادی مانند کلمن و هومنز به بحث در این باب پرداخته‌اند. رویکرد سوم، انسجام هنجاری مبتنی است بر رویکرد جمع‌گرا. صاحب‌نظران این رویکرد مانند دورکیم، پارسونز و مرتن انسجام اجتماعی را نتیجه تعهدات درونی مشترک می‌دانند. و رویکرد چهارم نظم هنجاری که مبتنی است بر رویکرد فردگرایی. در این رویکرد بیشتر به عناصر انتزاعی اراده و ذهنیت پرداخته می‌شود. پدیدارشناسان و نظریه پردازان تعامل‌گرایی نمادین در این خصوص به بحث پرداخته‌اند.

روشن است، انسجام اجتماعی، باعث برآورده شدن ضرورت‌های کارکردی، حفظ تعامل این کارکردها، هماهنگی میان کارکردها با سایر نظام‌های کنش و با محیط، می‌باشد. بدین ترتیب چارچوب تحلیلی نظام کنش مبنای این نوشتار است و سعی و اهتمام بر این است تا نقش رشته‌های روانشناسی و مشاوره در تامین نیازهای نظام خرد و کلان کنش مطابق این چارچوب نظری کاربست یافته و مورد تحلیل و تبیین قرار گیرند.

### روش پژوهش

در این مقاله که با هدف تبیین برخی از کارکردهای انسجام بخشی رشته‌های روانشناسی و مشاوره در جامعه صورت گرفته است، کلیه روانشناسان و مشاوران اعم از دارندگان کارشناسان ارشد و دکتری تخصصی که عمدتاً در بخش‌های روانسجی، آموزشی، درمانی و مشغول به فعالیت هستند، در قالب اعضای نظام حرفه‌ای رشته‌های روانشناسی و مشاوره تعریف شده‌اند. لذا با استفاده از روش تحلیلی، کتابخانه‌ای و با استفاده از بررسی متون و مصاحبه با صاحب‌نظران، نقش رشته‌های روانشناسی و مشاوره در انسجام بخشی به جامعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

---

<sup>۱</sup>-Alexander

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه..... ۱۱

علاوه بر این از آنجا که نظریه تحلیل کنش چارچوب اصلی نظری این مطالعه را تشکیل می دهد، مفهوم انسجام در دو سطح خرد و کلان بررسی می گردد. البته این تمایز با هدف فراهم آوردن ابزاری علمی و مناسب جهت تحلیل انجام گرفته است و چرا که در فضای انضمامی این دو سطح بر یکدیگر، غیرقابل تمایز می باشند. از این رو در واکاوی تاثیرات رشته های روانشناسی و مشاوره، بر انسجام اجتماعی در دو سطح خرد و کلان، مولفه های کنشگران انسانی و آثار این رشته ها بر مقتضیات نظام های فرعی جامعه مورد بررسی قرار می گیرند.

#### **کارکردهای خرد رشته های روانشناسی و مشاوره در انسجام بخشی اجتماعی**

انسان کنشگر، محوری ترین عنصر انسجام بخش در جامعه است. کنش های انسانی مبتنی بر چهار رکن فرهنگی، اجتماعی، زیستی و شخصیتی اند. خرده نظام فرهنگی شامل بر معانی و اهداف؛ خرده نظام اجتماعی شامل الگوی هنجاری تعامل میان اعضای جامعه؛ خرده نظام شخصیتی شامل به نیازها و جهت گیری های افراد؛ و خرده نظام زیستی عامل فراهم ساختن انرژی اصلی افراد برای کنش می باشند (ریترز، ...، جیسوپ، ۱۹۷۲ و جواهری، ۱۳۸۴).

چلبی (۱۳۸۳) کنشگر انسانی را یک واحد زیستی، روانی، اجتماعی با ظرفیت منحصر به فرد می داند. کنشگران انسانی دارای چهار بعد مادی، امنیتی، ارتباطی و شناختی می باشند. یکی از کارکردهای رشته های روانشناسی و مشاوره تنظیم مستقیم و غیرمستقیم این چهار بعد می باشد. در این باب می توان به مسئولیت روانشناسان و مشاوران خانواده در حفظ و حراست و ترمیم بهداشت روانی جامعه اشاره کرد. بهداشت روانی دارای ارزش غایی و ابزاری برای جامعه می باشد و صرف نظر از ارزشهای ذاتی آن، باعث حفظ نظام سلامت روان جامعه و برطرف شدن بخشی قابل توجه از نیازهای خرد و کلان کنشگران اجتماعی می شود.

روانشناسان و مشاوران خانواده بعد امنیتی افراد را در سطح جامعه تامین می کنند و به آنان اطمینان می دهند که از توان نقش آفرینی بایسته و شایسته برخوردار می باشند. روانشناسان و مشاوران خانواده با روشهای مختلف نظیر مشاوره، درمان رفتاری - شناختی، درمان شناختی، دارو درمانی، هیپنوتیزم، روانسنجی، انجام پژوهشهای خرد و کلان با روشهای کیفی، کمی و آمیخته، در لایه های مختلف روان و شخصیت افراد وارد می شوند. آنها علاوه بر فعالیتهای یاد شده، قادر اند از محصوریت های سنتها، خرافات و باورهای نامعقول فراتر رفته و حتی بصورت روشمند و اصولی وارد خصوصی ترین ابعاد روحی، شخصیتی و خانوادگی افراد نیز شوند. روانشناسان و

مشاوران خانواده با انجام روان درمانی، هیپنوتیزم و یا مصاحبه های تشخیصی عمیق، به ژرفای مسائل روحی، روانی و شخصیتی افراد می رسند و این امر با اعتماد کامل مراجعان همراه است. بدین ترتیب روانشناس می تواند ابعاد مختلف شخصیت، و روان و رفتار مراجعان به عنوان بخشی از کنشگران اجتماعی، را تغییر دهد.

در طول دهه های اخیر نقش رشته های روانشناسی و مشاوره در ساماندهی بخش زیستی کنش انسانی، به بخشهایی فراتر از روان درمان، تسری یافته است؛ بطوریکه در این باب می توان به مشاوره پیش از ازدواج، آموزش مسائل جنسی، مشکلات ناشی از اختلالات خواب، اختلالات مربوط به ارتباط متقابل مشکلات روانی با مشکلات جسمی (نظیر قلب یا گوارش) و ... اشاره داشت. بدین ترتیب روشن می شود که روانشناسان و مشاوران خانواده بصورت عینی در مدیریت و هدایت نیروهای زیستی و روانی افراد جامعه و کیفیت و کمیت نظام کنش نقش آفرینی می کنند.

در باب مولفه های فرهنگی به عنوان یکی از ارکان نظام کنش، روانشناسان و مشاوران خانواده در ایجاد انطباق شاخصه های زیستی کنش با مولفه های فرهنگی تاثیر عمیقی دارند. به عنوان نمونه، آنها قادرند برخی از اختلالات نظیر اختلال شخصیت خودشیفته، اختلال فوبی اجتماعی و یا اختلال سلوک را به عنوان نوعی اختلال روانی کنترل، تعدیل و درمان نمایند. این مهم نشان می دهد که این رشته ها عاملی جهت سازگاری افراد جامعه با ارزشهای فرهنگی جامعه به شمار می آیند.

روانشناسان و مشاوران خانواده با پیشگیری، درمان و کنترل اختلالات روانی و شخصیتی مانند افسردگی، اختلال شخصیت پارانوئید، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، اختلال دو قطبی، اختلال سلوک، مانیا و ... بر ساختار شخصیت و روان افراد جامعه تاثیرات به سزایی می گذارد. همچنین این روند باعث افزایش میزان عزت نفس و امید و شادکامی در میان کنشگران اجتماعی می شود. روانشناسان و مشاوران خانواده با نوع و گسترش خدمات علمی و اجتماعی ای که در جامعه ارائه می دهد، مولفه های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهند. با اقتباس از دیدگاه های پیر بوردیو می توان جایگاه اجتماعی کنشگران را در اثر برخورداری از چهار سرمایه محقق دانست که عبارتند از: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادی و سرمایه جسمانی (نتلتن، ۱۹۹۶).

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه.....۱۳

با عنایت به این نکته که سرمایه های مورد نظر بودیو قابل تغییر می باشند، از این رو با گسترش یک نوع سرمایه، امکان دستیابی به سرمایه های دیگر افزایش پیدا می کند (جوهری، ۱۳۸۴). به عنوان نمونه امروزه مشاوره تحصیلی و یادگیری به عنوان یکی از فعالیت های جدی روانشناسان شناخته می شود. این مهم باعث می شود تا فرد در نتیجه استفاده از این خدمات، ابتدا افزایش پایگاه اجتماعی در اثر بالارفتن سطح تحصیلات و در گام بعدی دستیابی به موقعیت های شغلی بالا را بدست آورد.

بطور کلی رشته های روانشناسی و مشاوره، قادرند در تنظیم کنش انسانی به طرق متنوعی نقش آفرینی نمایند و افراد جامعه را در راستای انجام وظایف خود حمایت نمایند که این مهم نقش به سزایی در انسجام اجتماعی دارا می باشد. چرا که در نتیجه حفظ انسجام اجتماعی شکل گیری و نظارت بر احساسات، عواطف، مطالبات و تمایلات هماهنگ، بروز و ظهور پیدا می کند. بدین ترتیب روانشناسان و مشاوران خانواده نیز در باب تنظیم ابعاد زیستی، روانی، فرهنگی و اجتماعی کنش و تحقق بخشی از بایسته ها و لوازم ضروری این شرایط موثر می باشند.

#### **کارکردهای کلان رشته های روانشناسی و مشاوره در انسجام اجتماعی**

با عنایت به اینکه جامعه دارای هویتی مستقل از افراد تشکیل دهنده اش می باشد، تاثیرات رشته های روانشناسی و مشاوره بر ایجاد انسجام اجتماعی در سطوح پارسونزی خرده نظامهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قابل مطالعه و بررسی می باشد.

#### **خرده نظام فرهنگی**

مطابق با رویکرد تحلیل کنش، هر نظام فرهنگی نیازمند میزانی از تفاهم و وحدت نمادین است (جوهری، ۱۳۸۴)، این امر از طریق معیارهای ارزشی مشترک و معرفتی و پایبندی افراد به آنها محقق می شود. رشته های روانشناسی و مشاوره دارای مولفه های فرهنگی می باشند و خود با چند اسلوب بر نظام فرهنگی جامعه تاثیر گذارند. خرده فرهنگ روانشناسی و مشاوره به عنوان زیر مجموعه ای از فرهنگ عمومی جامعه تعریف می شود و از طریق فرایند جامعه پذیری شغلی بصورت تدریجی در شخصیت ایشان نفوذ می کند و باعث پایبندی به اخلاق حرفه ای می شود. روانشناسان و مشاوران خانواده بر این اصل تعهد پیدا می کنند که به اخلاق روانشناسی وفادار باشند.

در دهه‌های اخیر جامعه ایران با تغییرات ساختاری مواجه شد که در نتیجه تأثیرات مکانیزم‌های سنتی انسجام بخشی جامعه تقلیل یافته و همواره بر میزان تمایزات و گسست‌های اجتماعی افزوده می‌شود، بخشی از وظایف انتقال اخلاق و تعهدات اخلاقی از طریق رشته‌های دانشگاهی و حرفه‌ای محقق می‌گردد. اخلاقیات به صورت روز افزون بر اساس مسئولیت‌های اجتماعی و شغلی تدوین و تأمین می‌شوند. در این شرایط رشته‌های روانشناسی و مشاوره از طریق درونی‌سازی اصول و تعهدات اخلاقی مشترک میان کنشگران این حوزه، باعث ایجاد نوعی وحدت نمادین می‌گردند.

این رشته‌ها برای فرهنگ عمومی جامعه ایران نیز دارای کارکردهایی اند. در جامعه ایران، مردم در باب علل بروز اختلالات روانی و نحوه مقابله و درمان آن، باورهایی دارند که می‌توان از آن با عنوان «نظام باورهای عامیانه بهداشت روانی» نام برد. این نظام به عنوان الگویی جهت تبیین مسئله عمل می‌کند. بخشی از این عقاید قابل توجه می‌باشند و در باورهای دیرینه ذهنی، آموزه‌های دینی و یا سنتی جامعه ریشه دارند و برخی دیگر صرفاً منبعث از خرافات و باورهای غلط و غیرعقلانی می‌باشند. با گسترش دستاوردهای علمی روانشناسی و مشاوره در کشور و افزایش هرچه بیشتر نفوذ این حرفه در میان مردم، به تدریج اعتبار برخی از باورهای خرافی و غیرعقلانی کاهش پیدا کردند.

به باور هابرماس این فرایند، بخشی از «عقلانی شدن زیست جهان» است و شالوده جهان بینی، مخزن دانش و همبستگی است که پس زمینه زندگی روزمره است و از نسلی به نسلی منتقل می‌شود (پوزی، ۱۳۷۹ و جواهری، ۱۳۸۴). به دنبال رشد و گستره رشته‌های روانشناسی و مشاوره در زندگی روزمره مردم که خود یک بخشی از مجموعه حیات فرهنگی به شمار می‌رود، مولفه‌ای عقلانی و دارای انسجام و همبستگی در این حوزه بوجود آمد.

در هر خرده نظام فرهنگی، برخی از افعال و اقوال، غیراخلاقی، ناهنجار و ضد ارزشی تلقی می‌گردند و با واکنش‌های منفی وجدان جمعی جامعه مواجه می‌شود. به تعبیر دورکیم وجدان جمعی، در برگیرنده ارزشها، عادات، مناسک، اندیشه‌های معطوف به عدالت و خیر، الگوی معاشرت اجتماعی، احترام گذاری و مجازات‌هایی است که در راستای همبستگی اجتماعی تبیین می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵ و فریمن و لوین، ۱۹۸۹ و جواهری، ۱۳۸۴). امروزه کارکردهای رشته‌های روانشناسی و مشاوره در جامعه ایران، معانی برخی از مفاهیم فرهنگی را که پیش از آن وجدان

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه.....۱۵

جمعی و یا حتی سنتهای رایج نسبت به آن ها حساس بوده اند، تغییر داده است. به عنوان مثال امروزه عمده روانشناسان رفتارهایی مانند خشونت جنسی، اعتیاد، همجنس گرایی را که صرفاً از منظر حقوقی و جزایی مورد توجه قرار می گرفتند، به عنوان بیمار روانی مورد مطالعه قرار می دهد و نگاهی کاملاً متفاوت با نظام قضایی به این مسائل دارند.

برخی از رفتارهایی که از نظر آموزه های شرعی و هنجارهای اجتماعی قبیح شمرده می شوند، به عنوان بیماری روانی تعریف می شوند. در این شرایط بیماری روانی نیز امری غیرعادی تلقی می شود که می باید کاملاً از بین برود. روانشناس و مشاوره خانواده در این شرایط دارای نقشی می شود که به عنوان «طیب رفتار»<sup>۱</sup> می توان از آن نام برد. در حقیقت روانشناس و مشاوره خانواده نیازمند دستورالعمل های جدیدی است تا مطابق آن اختلالات را تشخیص داده و تعریف نماید. در این فرایند نگرش منفی از «بیمار روانی» به «مراجع» تبدیل می گردد و به نوعی جهت گیری اعتقادی و اخلاقی نسبت به فرد و مشکلاتش به وجود می آید. در این فرآیند، روانشناس و مشاور خانواده نگاهی خنثی و بی طرفانه ندارد بلکه او به دنبال ایجاد ارتباط میان اعتقادات، معانی و باورهای اجتماعی و اخلاقی را به عنوان نشانه های جسمانی و رفتاری و سایر مسائل و علائم می باشد.

امروزه رشته های روانشناسی و مشاوره ابعاد مختلف معانی فرهنگی را در سطح جامعه دگرگون نموده است. به عنوان مثال برخی از دستاوردهای جدید این رشته ها، نسبت به مفهوم جنین، تولد و رشد، تغییرات اساسی نموده است. در حالی که پیشتر این مفاهیم دارای تعاریف عمدتاً پزشکی بودند، امروزه ترکیبی از مسائل روحی، اخلاق، تربیت، ژنتیک و ... در تعریف این مهم نقش آفرین شده اند.

با افزایش انواع ابزارها و فناوری های روانشناسی و مشاوره، که به نوآوری هایی در زمینه های مطالعه ادراک، هیپنوتیزم، درمانهای شناختی، درمانهای شناختی - رفتاری و ... باعث تغییر نگرشهای سنتی به این رشته ها شده است. مزایای بهره گیری از این روش های جدید، علائم تغییر

---

<sup>۱</sup> ریشه این اصطلاح به دوران شکوفایی تمدن اسلامی، به علت توجه اطبا به روان، اخلاق، اخلاط و شخصیت و ایمان افراد در تشخیص بیماری ها، عمدتاً نوعی «طیب روحانی» نقش آفرینی می کردند، باز می گردد.

نگرش‌های فرهنگی در باب آزادی انسان در تغییر شرایط خود و ساز و کار زندگی فردی و اجتماعی است.

با این تفاسیر روشن می‌شود، روانشناسان و مشاوران خانواده با ارائه تعاریف و معانی جدید، از استیلای باورهای خرافی و غیرعلمی کاسته و امور علمی و عقلانی - تجربی را جایگزین آن نمودند و از این جهت سهم بزرگی در پایه‌گذاری نظام فرهنگی جامعه دارند. دستاوردهای جدید این رشته‌ها، منجر به تغییر در معانی و تعبیر فرهنگی و خرده فرهنگی و جایگزینی مفاهیم و معانی جدید شده و در ایجاد انسجام فرهنگی جامعه نقش موثری ایفا نموده‌اند.

#### خرده نظام اجتماعی

عمیق‌ترین لایه انسجام اجتماعی که دارای مولفه عاطفی و هنجاری است، خرده نظام اجتماعی می‌باشد. هر جامعه‌ای در بعد اجتماعی، نیازمند شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی بر اساس اعتماد، تعلق و انسجام است. تعامل میان افراد جامعه مبتنی بر مجموعه‌ای از هنجارها تنظیم می‌شود. از این رو هر عاملی که بتواند قواعد تعاملات اجتماعی را تعیین کند، دارای کارکرد انسجام‌دهندگی است (چلبی، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ و جواهری، ۱۳۸۴). رشته‌های روانشناسی و مشاوره بخشی قابل توجه از این نوع هنجارها را ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، این رشته‌ها قواعد و هنجارهای مربوط به بهداشت روانی را تعریف و تعیین می‌کنند و زمانی که برای قانونگذار اثبات گردد که یک نوع کنش خاص مخرب است، قواعد و هنجارهای قانونی متناسب با آن تنظیم و وضع می‌گردد.

افراد در سطح کلان نیازمند احساس امنیت روانی و اعتماد اجتماعی می‌باشند. روانشناسان و مشاوران خانواده در ایجاد این مهم نیز نقشی عمیق بر عهده دارند و با کنترل اختلالات روانی و شخصیت در سطح جامعه، منجر به کاهش میزان نگرانی‌ها و احساس ناامنی‌های اجتماعی می‌شوند.

امروزه گرایش روانشناسی سلامت، به عنوان یکی از تخصص‌های این حوزه می‌تواند باعث کاهش مخاطرات، احساس ناامنی و مشکلات فردی و اجتماعی جامعه شده و در مقابل باعث افزایش میزان تعاملات سالم اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی شود. همچنین حفظ و تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی نیز در سطح خرده نظام اجتماعی از جمله امور لازم و ضروری است.

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه.....۱۷

انسجام اجتماعی در جامعه نیازمند تعاملات صمیمانه عمیق است که مبتنی بر وابستگی عاطفی و تعهد تعمیم یافته و عام گرایی استوار است. امروزه بخشی از این ضرورت از طریق عضویت در تشکل های مدنی که موجب تعهد به قواعد مشترک و تولید تعاون است، تحقق می یابد (چلبی، ۱۳۷۵ و جواهری، ۱۳۸۴). رشته های روانشناسی و مشاوره در بستر سازی این مهم نقش و سهم موثری دارند و تشکل های صنفی و حرفه ای آنها، مانند سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، آکادمی روانشناسی بالینی، انجمن روانشناسان بالینی و ... یکی از عینی ترین نمونه های اتحادیه های صنفی به شمار می رود. این نوع نهادهای مردمی، غالباً به منظور ارتقای دانش روانشناسی و مشاوره، حمایت از حقوق صنفی دست اندرکاران این رشته ها، نظارت حرفه ای بر فعالیت های اعضا، تقویت تعاملات میان اعضا و تلاش جهت حسن اجرای مقررات، ایجاد در هماهنگی ساختن عملکرد اعضا با هنجارها و قواعد حرفه ای و ایجاد احساس تعلق نسبت به جامعه روانشناسی و مشاوره به وجود می آیند. از این رو بخشی از نیازهای جامعه ایران به حفظ انسجام اجتماعی، توسط تشکلهای صنفی روانشناسان و مشاوران خانواده بوجود می آید.

از سوی دیگر، روانشناسان و مشاوران خانواده، در شکل گیری برخی از نهادهای مدنی مانند گروههای حمایت گر از برخی بیماران روانی، افرادی که خود دارای نوعی اختلال یا مشکلات روانی بوده و یا هستند و ... نقش دارند. مبتلایان به یک اختلال روانی خاص، افرادی که پیشتر دچار اختلالات روانی بوده اند و سپس بهبود یافته اند، تشکیل دهنده این تشکل ها هستند که بصورت داوطلبانه با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. این افراد عمدتاً به تدریج در حین برقراری ارتباطات مداوم و صمیمانه، یک شبکه اجتماعی را ایجاد می کنند. این شبکه های اجتماعی، دارای کارکردهای مختلف حمایتی می باشند. حضور و عضویت در این شبکه ها و نهادهای مردمی، باعث قوام بیشتر سرمایه اجتماعی و در مرحله بالاتر باعث بسط هرچه بیشتر انسجام اجتماعی می شود.

بسط و گسترش نهادهای صنفی و مردمی، در سطح کلان نیز دارای کارکردهایی می باشد که از جمله آن، بسط شبکه اجتماعی چندگانه، همگرایی و همبستگی اجتماعی، گسترش مشارکت فعالانه، کاهش تراکم قدرت در سطح جامعه، کمک به بسیج داوطلبانه و مداوم منابع در جامعه، ایجاد تسهیلات در انتقال اطلاعات و به کارگیری مؤثر آن از طریق بسط روابط گفتگومانی در عرض جامعه می باشد (چلبی، ۱۳۷۵ و جواهری، ۱۳۸۴). از این رو رشته های روانشناسی و مشاوره

با تنظیم برخی قواعد و هنجارهای اجتماعی، کاهش اضطراب اجتماعی، کاهش ناامنی روانی، تقویت زمینه‌های اعتماد اجتماعی و بسط تعاملات و ارتباطات اجتماعی، زمینه‌های موثر انسجام سطح اجتماعی را ایجاد می‌نمایند.

#### خرده نظام اقتصادی

از بعد اقتصادی، نظم شامل برنامه‌ها و تمهیداتی است که از طریق بسیج منابع مادی و توزیع آن موجب انطباق بهتر جامعه با محیط خود خواهد شد. به طور کلی، در حوزه اقتصاد، کارایی یک اصل راهنما است. سازمان‌ها و گروه‌های اقتصادی تلاش می‌کنند تا با انتخاب بهترین شیوه انجام دادن امور و صرف کمترین منابع، کارایی خود را افزایش دهند. همه فعالیت‌ها باید پایه‌ای برای ساختن یک نظام اقتصادی مطلوب باشد (جواهری، ۱۳۸۴ و چلبی، ۱۳۸۳). نخستین عامل برای برقراری رابطه توسط خرده نظام اقتصادی با محیط، در اختیار داشتن نیروی کار است. بنابراین امروزه معیارهایی مانند بهبود بهداشت روان، کنترل اختلالات روانی و ... بیانگر میزان توسعه یافتگی یک جامعه می‌باشد.

رشته‌های روانشناسی و مشاوره ضمن ایجاد شرایط لازم برای سلامت و بهداشت روانی نیروهای کار فعال در کشور، این بخش قابل توجه از جامعه را برای فعالیت‌های اقتصادی هرچه بیشتر آماده می‌سازد. در دوران معاصر تامین نیروهای انسانی فعال، کارآمد و توانمند، به اندازه‌ای حائز اهمیت است که در زیرمجموعه رشته‌های روانشناسی، رشته‌ای با عنوان روانشناسی صنعتی - سازمانی شکل گرفته است. این رشته‌ها به شناسایی اختلالات روانی، ناهنجاری‌های رفتاری، مشکلات شخصیتی، فرسودگی‌های شغلی و ... که در محیط کار بروز می‌کنند می‌پردازد.

دومین کارکرد رشته‌های روانشناسی و مشاوره برای خرده نظام اقتصادی، ایفای نقش در توزیع منابع و فرصتها، تحت تاثیر اولویت‌های اقتصادی هر جامعه می‌باشد. خدمات روانشناختی و امور درمانی و کلینیکی از جمله منابع ارزشمند به شمار می‌آیند که این کارکرد را ایفا می‌کنند. سومین کارکرد عبارت است از رشد و گسترش نوآوری‌های روانشناسی و مشاوره در زمینه‌های سنجش روانی، شغلی، استخدامی، فرسودگی شغلی و ... که از جمله پیامدهای رشته‌های روانشناسی در راستای ایجاد و تسهیل انسجام اجتماعی است. این نوع نوآوری‌ها با جلوگیری از فرسودگی شغلی، افزایش سرمایه اجتماعی در محیط کار، جلوگیری و درمان اختلالات شخصیت و ... در افزایش بهره‌وری و کارآمدی خرده نظام اقتصادی نقش آفرینی می‌کند.

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه.....۱۹

از سوی دیگر رشته های روانشناسی و مشاوره بصورت غیرمستقیم قشربندی اجتماعی مهمترین شاخصه خرده نظام اقتصادی را بازتولید می کند. این رشته ها با گسترش و سازماندهی شبکه های بهداشت روانی، در نظر گرفتن تفاوت های جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی در دسترسی به منابع، تعیین هزینه و سطح بندی خدمات و طراحی سیستم ارجاع، می تواند معیارهای جامعه را برای مرزبندی اجتماعی تثبیت نماید. این مهم نشان می دهد که رشته های روانشناسی و مشاوره با فراهم آوردن نیروی کار سالم و توزیع منابع درمانی و خدمات کلینیکی روانشناختی، خرده نظام اقتصادی جامعه را در سازگاری و انطباق با محیط معونت می نماید.

#### خرده نظام سیاسی

هر خرده نظام سیاسی به منظور دستیابی به اهدافش افرادی را که از قواعد متعارف تخطی می کنند به مسیر اصلی باز می گرداند. در گذشته امر نظارت آشکارا از طریق چند سازمان و نهاد دولتی و عمدتاً با استفاده از شیوه های اجباری اعمال می شد؛ در دوران کنونی در اثر رشد شهرنشینی، تحرک جمعیت، افزایش نفوذ رسانه ها و تقسیم کار فزاینده، فرایند نظارت پیچیده تر شده است. در شرایط جدید عوامل متعددی به صورت غیر مستقیم، به ابزارهای نظارت اجتماعی تبدیل شده اند (جوهری، ۱۳۸۴).

رشته های روانشناسی و مشاوره که بر مجموعه ای از قواعد علمی اتکا دارد، به صورت یک اهرم نظارتی قادر است در مدیریت سیاسی نظام اجتماعی مشارکت نماید. کارکردهای اصلی این رشته ها در نظارت بر خرده نظام سیاسی جامعه در راستای ایجاد انسجام به چند بخش خلاصه می شوند: نخستین کارکرد رشته روانشناسی و مشاوره در راستای نظارت بر جامعه، تاثیرگذاری کجروی ها و کنش های انحرافی مانند آسیب های اجتماعی است. یکی از گرایش های رشته های روانشناسی، روانشناسی اجتماعی است که در حقیقت کاربرد اساسی آن در خدمت قانون و مسائل مربوط به آسیب های اجتماعی می باشد. این عملکرد نشان می دهد که رشته های روانشناسی و مشاوره خانواده در امر نظارت بر کنش های انحرافی و ناهنجاری های اجتماعی نقش ژرفایی و عمیقی بر عهده دارند.

تا چند دهه پیش نهادهای قضایی، دینی و بخشهای سنتی جامعه، محور تعریف کجروی و کنش های انحرافی در جامعه بودند. در این شرایط با جرم و رفتارهای مجرمانه صرفاً با روشهای قهری، تنبیهی و کیفری برخورد می شد؛ رفتارهایی مانند تعزیر، زندان، اعدام، تبعید و ... اما امروزه

روانشناسان و مشاوران خانواده، مبتنی بر تعاریف و معانی علمی، میان مجرمان تفکیکی جدی قائل می‌شوند و افراد مبتلا به اختلالات روانی و شخصیتی را از سایر مجرمان تمیز می‌دهند. به عنوان مثال، در صورتی که تا چند دهه قبل یک فرد به عنوان معتاد به مواد مخدر دستگیر می‌شد و به عنوان یک مجرم تنبیه می‌شد، اما امروزه این فرد بعد از مصاحبه تشخیصی و اخذ آزمون‌های روانشناختی توسط متخصصان این رشته، و بررسی علل عصبی، شناختی، رفتاری، تربیتی، بعضاً به عنوان بیمار روانی و فردی دچار اختلال شخصیت تشخیص داده می‌شوند.

دومین کارکرد رشته‌های روانشناسی و مشاوره در خرده نظام سیاسی، نظارت بر مسائل مخاطره آمیز<sup>۴</sup> مابعد فضای صنعتی کشور، نظیر مسئله آلودگی هوا، ترافیک، آلودگی صوتی و تخریب محیط زیست و ... می‌باشد. سومین کارکرد نظارت حرفه‌های روانشناسی و مشاوره، بازگرداندن افراد مبتلا به ناهنجاری‌های روانی - رفتاری به شرایط عادی و بهنجار و یا حداقل قابل کنترل می‌باشد. بهداشت روانی، شرایط بهنجار و معمولی حیات انسان است و اختلال روانی نوعی تخطی از آن هنجارها می‌باشد. افراد مبتلا به اختلال روانی از شرایط عادی خود فاصله می‌گیرند و وارد پایگاهی تازه می‌شوند. روانشناس و مشاور خانواده با ایجاد مبنایی مشروع برای حضور فرد مبتلا به اختلالات روانی در جامعه، بر انحرافات و کجروی‌های اجتماعی احتمالی او نظارت را اعمال می‌کند. در همین حال روانشناسان و مشاوران خانواده به عنوان عوامل نظارتی موثر در جامعه، از تمارض افراد جهت سر باز زدن از مسئولیت‌های اجتماعی خود مانند وظایف شغلی یا عدم تمکین از قوانین جلوگیری می‌کنند.

در این شرایط روانشناسان و مشاوران خانواده در نقش «مردان حامی انسجام اجتماعی» نقش آفرینی می‌کنند؛ علت این نوع نگاه به آنها این است که به خاطر مولفه‌های خاص و قواعد ویژه این رشته است. آنها مجبور به درمانگری هستند و نیز به علت پیشگیری و درمان احیای انسجام طبیعی و ارزیابی مراجعان و مبتلایان به اختلالات روانی، بر اساس هنجارهای سلامت روان و حیات اجتماعی، به مردان حامی انسجام اجتماعی تبدیل می‌شوند.

با بررسی این موارد روشن می‌شود که نظارت روانشناسان و مشاوران خانواده بر جامعه نه تنها از طریق بررسی گزارشها و پرونده‌های مراجعان به کلینیک‌های روانشناختی بلکه از طریق جمع

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه..... ۲۱

آوری اطلاعات در زمینه های مختلف پژوهشی صورت می گیرد. این مهم که در طول دهه های اخیر رو به فزونی نهاده است، دلالت بر این مهم دارد که رشته های روانشناسی و مشاوره در راستای تحکیم یک نظام مراقبتی فراگیر در سطح کشور گام بر می دارد. بنابراین این در فضای دوران گذار و متجددانه امروز ایران، در کنار نیروهای قضایی، انتظامی و نهاد دین، کارکرد ویژه ای را در عرصه نظارت بر جامعه ایفا می کند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

این نوشتار در پی کاربست نظریه تحلیل کنش در باب نقش و کارکردهای رشته های روانشناسی و مشاوره در ایجاد انسجام اجتماعی تدوین گردید. مطابق با این نظریه، هر عنصری که در تامین بایسته ها و نیازهای نظام کنش دخیل باشند، بر انسجام اجتماعی نیز تاثیر دارند. بررسی های انجام شده نشان دادند که رشته های روانشناسی و مشاوره دارای این پتانسیل می باشند که بخشی از بایسته های کنشگران انسانی در سطح خرد و کلان را در اختیار جامعه قرار دهند.

کارکردهای انسجام بخشی رشته های روانشناسی و مشاوره در سطح خرد را می توان به صورت ذیل دسته بندی نمود:

۱- تاثیر بر وضعیت فرهنگی کنشگران که شامل ایجاد بسترهای لازم در حوزه های هنجارها و ارزشهای فرهنگی مانند موفقیت، اعتبار اجتماعی و ... می شود.

۲- تاثیر بر وضعیت اجتماعی کنشگران که شامل تامین سرمایه های لازم اجتماعی و بستر سازی لازم جهت ایفای مسئولیت های اجتماعی می شود.

۳- تاثیر بر وضعیت زیستی کنشگران که باعث فراهم سازی نیروی جسمی با پیشگیری، درمان و کنترل اختلالات روانی می شود.

۴- تاثیر بر وضعیت شخصیتی کنشگران که منجر به تامین نیازهای مربوط به عزت نفس، خودشکوفایی، احساسات، عواطف و ... می شود.

کارکردهای انسجام بخشی رشته های روانشناسی و مشاوره در سطح کلان را نیز می توان به صورت ذیل خلاصه و دسته بندی نمود:

۱- بایسته های خرده نظام فرهنگی: (تنظیم نمادی) که شامل بسط و نهادینه سازی اخلاق حرفه ای روانشناسی بازسازی عقاید غیرعلمی در حوزه بهداشت روانی، ارائه تعاریف و معانی جدید و به

روز

تغییر دیدگاه‌های خرافی و سنتی بی پایه و اساس می شود.

۲- بایسته های خرده نظام اجتماعی (همبستگی اجتماعی) که در برگیرنده ارائه تعریف جدید در زمینه بهداشت روانی، کاهش بی اعتمادی عمومی، تاثیر بر افزایش احساس همبستگی و تعلق خاطر حرفه ای و تاثیر بر شکل گیری و افزایش NGO های صنفی می باشد.

۳- بایسته های خرده نظام سیاسی (دستیابی به هدف) که شامل نظارت بر انحرافات، جرائم و ناهنجاری های رفتاری، نظارت بر زمینه های مخاطره آمیز، تاثیر بر نوع اعمال قدرت و تاثیر بر شکل گیری نظام اجتماعی منسجم و منظم می شود.

۴- بایسته های خرده نظام اقتصادی (انطباق با محیط) که شامل فراهم سازی نیروی کار متخصص و کارآمد، فراهم سازی منابع ارزشمند و مناسب و بازسازی نظام قشربندی و کنترل اجتماعی می شود.

در مجموع به منظور ارزیابی دقیق عملکرد رشته های روانشناسی و مشاوره در ایران، می باید در گام اول الگوی انسجام اجتماعی بایسته و شایسته ترسیم گردد و در گام بعد تحقیقاتی وسیع در باب عملکرد این رشته ها صورت گیرد. در صورت انجام این مراحل، از یک سو باعث شناخت علمی دقیق نسبت به این رکن انسجام بخش در جامعه شده و از جانب دیگر باعث تدقیق و بسط جامع دانش جامعه‌شناسی روانشناسی ایران خواهد شد.

### منابع

۱. آبرکرامی، نیکلاس، هیل، استیفن و ترنر، اس. برایان (۱۳۶۸) فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
۲. آرمسترانگ، دیوید (۱۳۷۲) جامعه‌شناسی پزشکی، ترجمه احمد خزایی و محمد توکیل، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
۳. بابایی، نعمت اله (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی و سلامت، ویژه نامه سیاست اجتماعی. مجله رفاه اجتماعی شماره ۱۰، سال ۳.
۴. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
۵. چلبی، مسعود (۱۳۸۱) ((فضای کنش: ابزار تنظیمی در نظریه سازی))، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۱.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چارچوب مفهومی پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان، تهران: انتشارات طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تحلیل نظام کنش رشته های روانشناسی و مشاوره در فرآیند انسجام بخشی جامعه.....۲۳

۷. رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه با تاکید بر نظریه های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. صدوقی، مجید. (۱۳۸۶). تاملی در سازه های مذهبی و جایگاه آنها در روانشناسی سلامت، دو فصلنامه اسلام و روانشناسی، سال اول، شماره اول.
۹. گودرزی، فرامرز (۱۳۷۰) پزشکی قانونی، تهران:ایشتن.
۱۰. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) زنان و نهادهای مدنی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
۱۱. لوزیک دانیلین (۱۳۸۳) نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. مانسن، رونالد (۱۳۷۴) مداخله و تامل در اخلاق پزشکی، ج ۱، ترجمه فرامرز چمنی و اصغر ابوترابی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی.
۱۳. ورسلی، پیتر (۱۳۷۸) نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات تبیان.
14. Chez Ronald A. and jonas Wayne B. (1997). the Challenge of Complementary and Alternative Medicine, in American journal of Obstet Cynecol, Vol 177.
15. Fischer Benedikt and Poland Blake. (1998). Exclusion, risk and social control- Reflections on Community Policing and Public Health, Geoforum, vol 29, no 2, pp: 187-197.
16. Kurt Richard A. and Chalfant H. paul .(1991). the Sociology of Medicine and Illness, United States of America: Allyn and Bacon Inc.
17. Jessop Bob .(1972). Social Order, Reform and Revolution: A Power Exchange and Institutionalisation Perspective, New York: MacMillan.
18. Lyon David .(2004). Globaliing Surveillance Comparative and Sociological Perspectives, International Sociology, vol 19 (2).
19. MacDonald Theodore .(2003). The Socia Significance of Health Promotion, London & NewYork: Routledge.
20. Mc gregore Katrine & peay Edward R. (1996). The choice of Alternative Therapy for
21. Health Care: Testing some Propositions, in Social Sciences & medicine, vol 43, no 9.
22. Mc Kee Janet .(1988). holistic health and the Critique of Medicine, in Social Sciences & medicine, vol 26, no 8.
23. Moon Graham & Gillespie Rosemary .(1995). society and Health an Introduction to Social Sciences for Health Professionals, London & New York: Routledge.
24. Nettleton Sarah .(1996). the Sociology of Health and Illness, united States of America: polity press.
25. Purdy Michael & Banks David .(2001). the Sociology and politics of Health, London & New York: Routledge.
26. Scambler Graham and Higgs paul. (1998). modernity, medicine and health, medical sociology towards 2000, London & new york: routledge.
27. Schatzki Theodore r. and natter wolfgang .(1996). the social & political baby, new york & London the Guilford press.
28. Tirkaktan Edward a. (1976). Sociological theory, values and sociological change, United States of America: New York and Evanston.

۲۴ .....مجله جامعه شناسی معاصر، سال دوم/شماره چهارم/ پاییز ۱۳۸۹

29. Turner brayan s. and Samson Colin. (1995). medical power and social knowledge, London: sage publication